

**نویسنده : اندرو کوریبکو (Andrew Korybko)**

**منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ «2020-03-03»**

**برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .**

-----[ 27 ]-----

## توافق صلح افغانستان: مشاهدات ، نقاط ضعف و انتظارات

### Afghan Peace Deal: Observations, Loopholes, and Expectations



ایالات متحده و طالبان روز شنبه یک توافقنامه صلح تاریخی در پایتخت قطر دوحه امضا کردند که جدول زمانی و شرایط خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان را تعیین می کند ، این توافقنامه برجسته و با اعتبار ؛ دلایل موثقی را برای ناظران فراهم می کند تا با احتیاط در مورد چشم انداز موفقیت آن خوش بین باشند اما همچنین این توافقنامه در درون خود چندین حفره کلیدی دارد که شایسته تجزیه و تحلیل بیشتر در عمق آن است تا درک جامع تری از مشکلات احتمالی که می توانند این توافق محوری را به دست آورند ، بدست آورند.

## توافق تاریخی

توافقنا مه صلح آمریکا و طالبان که روز شنبه در پایتخت قطر دوحه منعقد شد، توافق تاریخی است که جدول زمانی و شرایط خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان را تعیین می‌کند. وزارت امور خارجه کل متن این سند چهار صفحه را در وبسایت خود منتشر کرد، و حتماً ناظرانی که می‌خواهند آن را در کل بخوانند از يك منبع اولیه به جایی که اینک خطر توسط بعضی از "گزارش‌دهی‌های" بیشتر مورد نظر گرفته شود، مرور کنند. در مورد آن چه در رسانه اصلی و چه در رسانه‌های جایگزین.

بطور خلاصه ایالات متحده آمریکا در این توافقنامه متعهد شده است که در طول چند ماه آینده قبل از عقب‌نشینی و یا خروج کامل نیروهای نظامی خود و متحدین اش از افغانستان حضور تعداد نیروهای خود را کاهش می‌دهد و در آزادی طالبان متعهد اند و یا تضمین می‌دهند که خاک و وطن‌شان را برای هیچ فردی یا گروهی که قصد تخریب و یا تجاوز را بالای آمریکا و متحدین آمریکا داشته باشد به استفاده نمی‌گذارد یعنی که میزبانی هیچ خرابکار و یا تروریست را نمی‌کنند و آمریکا با در نظر داشت همین تضمین و اطمینان طالبان در طول (14) ماه آینده تمام نیروهای خود و متحدان خود را از افغانستان خارج می‌سازد. این توافق نامه همچنین شامل برخی از جزئیات مبهم در مورد لزوم آغاز یک روند صلح درون افغانستان به موازات روند بین‌المللی در حال انجام است، که ایالات متحده به نوبه از آغاز برای لغو تحریم‌های خود علیه طالبان در پی پادشاه است و همچنان خواستار لابی‌کردن سایر نقاط جهان، تاکتیک و شلوار برای دریافت این پادشاه است.

## پایان دادن به جنگ بی‌پایان :

این واقعت که دولت **ترامپ** به چنین توافق عملگرا با طالبان که به طولانی‌ترین جنگ آمریکا به رغم تعهد دوران انتخابات ریاست‌جمهوری سال (2016) خود که در مدت زمان کمپاین انتخاباتی اش این گروه را به گروه بیرحم نسبت به گروه‌های «تروریست افراطی اسلامی» قلمداد می‌کرد و درضدیت به آنها تا چه اندازه صحبت‌های جدی می‌کرد پایان دهد و درمورد حفظ وعده‌های به پایان دادن به جنگ‌های بی‌پایان از جمله به جنگ بی‌پایان افغانستان بخاطر اینکه به دیدگاه (اول آمریکا = امریکای دوباره بزرگ) خود توجه کند؛ خواست تا این جنگ را پایان دهد. البته این تصمیم سیاسی بسیار طول کشید تا وی به چنین تصمیم دست یافت و تصدیق کرد که نقشه وی برای «دوباره بزرگ کردن آمریکا» به معنای این نیست که آمریکا همیشه برنده جنگ‌ها خواهد بود - لذا با در نظر داشت دلایل مختلف **دونالد ترامپ** یک جنگ باخت را به ارث برد از اینکه

نتوانست چرخ این ماشین جنگ را بچرخاند. بنا بر این بهترین گزینه ممکن که بتواند هم وضع را «کنترول» کند و از رویا رویی نجات یابد به شیوه که ممکن است به این جنگ پایان دهد و این دقیقاً همان چیزی است که معامله با طالبان بخاطر برآورده شدن همین هدف است و از سوی هم با در نظر گرفتن رسیدن فصل انتخابات روبراه این یک اقدام هوشمندانه نیز میتواند باشد تا که بتواند درخواست و اکتاماس خود را درین رای دهندگان بهبود ببخشد و سرانجام با انجام آنچه که اکثر امریکایی ها از مدت ها میخواستند ؛ باشد که ارتش آنها را از کشور محاصره شده خارج کرده و به دیگران اجازه دهد که کارهای کثیف شان را در آنجا انجام دهند در صورتیکه به چنین کارهای کثیف تمایل داشته باشند .

## خوش بینی محتاطانه :

به همین دلایل ، ضرورت واقع بینانه نظامی - استراتژیک و علاقمندی به محاسبات سیاسی شخصی که ناظران با وجود احتیاط و خوش بینی در مورد چشم انداز به موفقیت معامله یا این توافقنامه علرغم دشواری که در آغاز مرحله وجود داشت و بعداً این دشواری [احتمالاً به میزبانی مسکو] برای جروب بحث های بعدی هموار شد قابل توجیه است- ولی کنون روند صلح در داخل افغانستان بویژه که ریس جمهور اشرف « غنی » در ابتدا از برسمیت شناختن مفاد توافقنامه مبنی بر الزام آزادی زندانیان طالبان خود داری کرد ، حالانکه **ترامپ** و طالبان اشکارا اعتماد کافی به نفس را باهم تامین نموده اند از اینکه ریس جمهور برای عامه اعلام می نماید که او قصد دارد که به زودی با رهبران طالبان ملاقات میکند . بنا بر این بعد این احتمال وجود دارد که واشنگتن با وارد کردن فشار بالایی که این پرابلم را از سر راه دور خواهد کرد ( موضوع آزادی بندیان طالبان ) و اما در اینجا قبل از اینکه به بحث ادامه داده شود قابل ذکر است که توافقنامه تاریخی صلح اخیر هفته گذشته بدون پیشتیوانه مهم عقب پرده ای از کشور محوری جهانی پاکستان که نقش غیر قابل جبران را در این فرایند بازی کرد امکان پذیر نبود با وجود مخالفت ، مخالف اش هند که هند با تمام علاقمندی مخالف صلح پنداشته میشود- پس اگر همه چیز طبق برنامه پیش رود ، پس از آن توافقنامه صلح با طالبان تعادل قدرت منطقه ای را از نو تعریف میکند و متعاقباً استراتژی **«پمپو»** را برای تقویت نفوذ امریکا در آسیای میانه از طریق راه اقتصاد به جای نظامی که مانند آن تا کنون عملی نشده است تسهیل میکند .

## حفره ها ویا منفذ های "قانونی"

این نتایج پیش بینی شده بلند پروازانه است ، اما به دلیل چند حفره مندرج در توافقنامه صلح افغانستان که بعید به نظر می رسد مشکل ساز باشد ، بسیار دور از ذهن است .

اولین مورد مربوط به شکست احتمالی روند صلح درون افغانستان است ، که می تواند به طور نامحدود قول و قرار و وعده های ایالات متحده برای شروع تحریم های بین المللی علیه طالبان را به تأخیر بیندازد ، از این طریق این گروه را بطور واضح بی قرار و مستعد به بازگشت دوباره به راههای شبه نظامی خود به نسبت ناامیدی به منافع خود را به هر قیمتی پیش ببرد که این خودمی تواند مرگ ناامید کننده ای را برای این طرح صلح امیدوار کننده به همراه آورد ، اما هنوز هم می توان از آن اجتناب کرد و بنا بر این نباید حداقل برای یک سناریو نگران کننده باشد. با این وجود ، آنچه نگران کننده تر است طبیعت نا مشخص سه ماده اصلی توافق نامه ، یعنی رابطه بین "پیمانکاران امنیتی خصوصی" و "ایالات متحده ، متحدین آن و شرکای ائتلاف" است. ماهیت "تهدید برای امنیت" ایالات متحده و متحدان آن" که طالبان متعهد به خنثی کردن افراد و گروه ها هستند. و دقیقاً همان چیزی است که در وهله اول "متحد" آمریکا بی را تشکیل می دهد .

## مشکل "پیمانکاران امنیتی خصوصی"

به ترتیب پی در پی ، قسمت اول این توافق نامه تصریح می کند: "ایالات متحده متعهد است که تمام نیروهای نظامی ایالات متحده ، متحدان آن و شرکای ائتلاف را از جمله افغانستان ، از جمله کلیه پرسنل غیرنظامی غیرمدنی ، پیمانکاران امنیتی خصوصی ، مربیان مشاوران و پرسنل خدمات پشتیبانی را در چهارده (14) ماه پس از اعلام این توافق نامه خارج کند". در سطح ، این امر به نظر می رسد که تمام کارمندان آمریکایی ، متفقین و ائتلاف به عنوان "پیمانکاران امنیتی خصوصی" باید از این کشور خارج شوند ، اما هنوز مشخص نیست که آیا این اخراج شامل اتباع کشورهای ثالث نیز باشد که در چنین سه دسته از کشورهای مستقر در چنین شرکتها بی هستند. ایالات متحده ، متحدانش و ائتلاف) یا اگر این "اتباع کشور اول" بتوانند به کار خود در افغانستان را ادامه دهند به شرط آنکه در یک بنگاه مستقر در هیچ یک از این دسته های فوق مستقر نباشند. این مسئله باید در آینده روشن شود تا هیچگونه اختلاف نظر غیرمنتظره ای ایجاد نشود که می تواند توسط "دولت عمیق" ضد ترامپ یا متحدین هند آن تحریک شود یا توسط آنها تشدید شود تا طرح صلح را فریب دهد.

## تهدیدات "به" متفقین "

حفره های دوم و سوم مربوط به ماهیت "تهدید برای امنیت" ایالات متحده و متحدان آن"

است که طالبان متعهد به خنثی کردن بخشی از معامله هستند. کلمات "تهدید" و "امنیت" بسیار مبهم است و بنابراین در معرض تفسیر گسترده است، و همچنین گیج کننده است که کلمه "متحد" تعریف نشده است زیرا این یا می تواند به معنی شرکای ایالات متحده ناتو باشد که با آنها به طور رسمی متحد شده یا به طور بالقوه می تواند گسترش یابد تا شامل "متحدین اصلی غیر ناتو" مانند پاکستان شود، که توسط گروه های تروریستی تحت حمایت هند در افغانستان مانند "ارتش آزادی بخش بلوچ" و "TTP" که عموماً از آن به عنوان "طالبان پاکستان" یاد می شود (تهدید می شود. رسانه اصلی غربی). اگرچه می توان این استدلال را مطرح کرد که آمریکا از اجرای مسئولیت های خود در قبال توافق صلح افغانستان صرفاً برای تأمین امنیت پاکستان در صورت عدم موفقیت طالبان در دستیابی به موفقیت مؤثر در پیروزی در این دو تروریست طراحی شده وزارت امور خارجه خودداری خواهد کرد. گروه هایی که هیچ تهدید قابل توجهی برای امنیت داخلی آمریکا ندارند، باید به خاطر داشته باشند که هدف بزرگ استراتژیک ایالات متحده با تکیه بر وسایل اقتصادی برای گسترش نفوذ منطقه ای خود پس از جنگ، در صورت بی ثبات سازی پاکستان به خطر می افتد و قابلیت های N-CPEC را به خطر می اندازد. به عنوان یک کریدور تجارت بین المللی در آینده به آسیای میانه.

## نتیجه گیری افکار: با توجه به همه موارد فوق، با این وجود انتظار می رود که

ایالات متحده و طالبان حلقه های "قانونی" در توافقنامه صلح خود را مرتب کنند و بنا بر این راه آینده ای جدید را برای افغانستان هموار می کنند. واشنگتن اهرم قابل توجهی نسبت به کابل دارد و می تواند آن را تحت فشارهای فزاینده ای قرار داده و آن را به مناقصه خود واگذار کند، و در حالی که برخی در "دولت عمیق" آمریکا نگرانی های همتایان هندی خود را درباره عواقب توافق **ترامپ** به اشتراک می گذارند، آنها احتمالاً اینگونه نخواهند بود. با توجه به اعتماد به نفس سختی که بین رئیس جمهور و رهبران این گروه در طول سال گذشته مذاکرات برقرار کرده است، می توانید توافق را فریب دهید. پس از مرتب سازی عدم اطمینان پیرامون آینده همه "پیمانکاران امنیتی خصوصی" در این کشور و روشن شدن اینکه تا چه اندازه طالبان باید امنیت پاکستان را از گروه های تروریستی تحت حمایت هند اما افغانستان مستقر کنند، صلح طولانی مدت انتظار خواهد شد. چشم انداز واقع بینانه تر از گذشته، بنابراین دوره جدیدی از ژئوپلیتیک منطقه ای را نشان می دهد که بدون شک مسیر جریان جنگ سرد جدید را شکل می دهد.

----- با تقدیم سلامها «2020-03-04»